خراسان
WWW.KHORASANNEWS.COM
• شنبه، اول دی ۱۴۰۳ • ۱۹ جمادی الثانی ۱۴۴۶
• شماره ۲۱۶۶۳ • ۲۱ دسامبر ۲۰۲۴

یادداشتی برای شب یلدا

زندگی در جهان استعاره ها

سید مهدی زرقانی
calture@khorasannews.com

ما در دل استعاره ها زندگی می کنیم. استعاره ها، نه به آن معنایی که لیکاف و جانسون می گویند، بلکه به معنای مفهومی تر با ما زندگی می کنند و به نگاه و زبان و هویت ما شکل می دهند. استعاره ها آن قدر آمیخته با ما هستند که نمی توانیم حضور آن ها را تشخیص دهیم. به تعبیر عرفا از شدت حضور غایب اند. زندگی به معنای نشانه شناسانه اش بر مدار استعاره ها می گردد. مثلا همین شب یلدا را در نظر آورید. آن قدر با ما درآمیخته که یادمان رفته استعاره است. بر گردش اسطوره ها ساخته شده از این که طولانی ترین شب سال است و شب تولد خورشید است و با تولد حضرت مسیح ارتباط دارد و مسیح در آسمان چهارم متوقف شده و آسمان چهارم همان منزل خورشید است و این طور مسیح و خورشید یکی شده اند و تولد خورشید و تولد مسیح و شب یلدا با هم درآمیخته اند و این طور جهان استعاره ها به جهان ما معنا می دهد. بعد ما این جهان استعاری را آن قدر جدی می گیریم که برایش تدارک مراسم می بینیم و بر ساختار غذاها، رفتارها، پوشش ها و گفتارهای مان اثر می گذارد. استعاره یک شب ما را می سازد. اما جالب است که بدانیم همه زندگی ما همین طور با استعاره ها ساخته می شود و استعاره ها رفتارها، گفتارها و پنداشت های ما را جهت می دهند. مولانا ابیاتی دارد به این مضمون

بر خیالی صلحشان و جنگ شان
بر خیالی فخرشان و ننگ شان
هر یکی بهر خیالی شد دوان
تو جهانی بر خیالی بین روان

هویت و استعاره ها

این خیالات همان استعاره هایی هستند که برای ما وجه استعاری شان را از دست داده اند و تبدیل به خود حقیقت شده اند. مصراع آخر خیلی تکانه دارد: «تو جهانی بر خیالی بین روان». او به درستی تشخیص داده که جهان بر مدار خیالات یا همان استعاره ها می گردد. وقتی به کسی می گوییم همسر در واقع در هیئت استعاره به او معنا و هویت داده ایم. او هم سر ماست و ما روابطمان را بر اساس همسری با او تنظیم می کنیم یا انتظار می رود تنظیم کنیم. همین طور است برادر، خواهر، پدر، مادر و انبوه استعاره هایی که در اطراف ما می لولند. از خارج از جهان استعاره ها همه این ها انسان اند و یا موجودند اما ما با استعاره سازی برای هر کدامشان یک هویت در نظر گرفته ایم. بر گردیم به شب یلدای خودمان. حافظ با شب یلدای ما ایرانیان و بلکه فارسی گویان و فارسی خوانان آمیخته شده است جزوی از مناسک شب یلداست. اصلا همین که از بین این همه شاعر تر از اول حافظ به شب یلدا راه یافته خود کنشی استعاری است و وقتی چیزی کنشی استعاری شود، می شود در تفسیر و تاویل آن ها سخن ها گفت و همین حافظ ما وقتی می خواهد درباره شب یلدا شعر بسراید این طور می گوید:

صحبت حکام ظلمت شب یلداست
نور ز خورشید جوی بو که برآید

عجب حرفی زده است! همنشینی با حکام چونان ظلمت شب یلداست. بدین ترتیب او برای شب یلدا استعاره ای تازه برساخته است تا ما شب یلدا را به گونه ای دیگر دریابیم. شبی که در آن خورشید نیست اما تولد خورشید است، یعنی خورشید از جایی برمی آید که تاریکی محض است. حافظ ما را از چیزی برحذر می دارد اما نگاهمان را معطوف به چیز دیگری می کند که هم ضد آن است و هم از دل آن برمی آید. بر همین اساس نظامی گنجوی پیش از حافظ سروده:

در نومیدی بسی امید است
پایان شب سیه سپید است

یلدا در شعر حافظ

گویا حافظ با نظر به این بیت نظامی می خواهد پایانی بر صحبت حکام بگذارد که طلوع خورشید است. این وضعیت دیالکتیک برآمدن نور و تولد خورشید از دل شبی که تاریک ترین شب سال است نشان می دهد که چطور زندگی جامع اضداد است. در جهان استعاری حافظ، پایان صحبت حکام تولد خورشید است اما خورشید از دل همان تاریکی های صحبت حکام برمی آید. گویا به نظر حافظ صحبت حکام، گزیر ناگزیر انسان است. او می داند که صحبت حکام برایش ظلمت شب یلداست و نمی توان دل بدان بست اما در عین حال می داند که خورشید اگر قرار است برآید از دل همین ظلمت است. بدین ترتیب حافظ امید و ناامیدی، رها کردن و چسبیدن را با هم در می آمیزد و استعاره ای تازه می سازد تا این واقعیت را به ما نشان دهد که صحبت حکام، ظلمت شب یلداست اما خورشیدی که ما دل بدان بسته ایم و توقع داریم زندگی ما را روشن کند از دل همین شب تاریک متولد می شود.

صدای ماندگار میهن و عشق

به مناسبت زادروز زنده یاد استاد محمد نوری، صدای ماندگار موسیقی کشورمان نگاهی گذرا به آثار و زندگی او داشته‌ایم

گروه ادب و هنر
calture@khorasannews.com

در اول دی ۱۳۰۸ در خیابان سرباز در تهران به دنیا آمد. او از کودکی به موسیقی علاقه‌مند بود و در هنرستان تئاتر آواز ایرانی را آموخت. پس از آن، به هنرستان عالی موسیقی رفت و از استادان برجسته‌ای چون سیروس شهردار، فریدون فرزانه و مصطفی پورتراب، تئوری موسیقی، سلفژ و نوازندگی پیانو را فراگرفت. او شیوه آوازی خود را با تاثیر از استادانی چون حسین اصلانی و ناصر حسینی پیدا کرد.

خواندن اشعار نوین و آغاز مسیر خوانندگی

در دهه ۱۳۲۰، نوری با خواندن اشعار نوینی بر روی نغمه‌های روز کشورهای غربی و برخی قطعات کلاسیک آوازی، کار خوانندگی را آغاز کرد. این دوران، دوران آغاز نوعی تفکر در شعر و موسیقی آوازی در میان مردم ایران، به‌ویژه نسل جوان بود. نوری با تکیه بر تحصیلات هنرستانی و دانشگاهی خود، هویت مستقلی به این اندیشه و گرایش بخشید و با اجرای آثار استادانی که قبلاً ذکر آنان رفت، فضای متفکرانه‌ای به گونه آوازی‌اش داد.

۳۰۰ قطعه موسیقی در طول ۵۰ سال

نوری طی پنج دهه بیش از ۳۰۰ قطعه آوازی اجرا کرد و به تقریر و ترجمه مقالات و سرودن اشعاری برای ترانه‌ها نیز پرداخت. او در سال‌های پایانی عمر چند اجرا به نفع بیماران خاص داشت و ترانه‌های میهنی‌اش مانند «جان مریم»، «شالیزار»، «واسونک»، «جمعه بازار» و «ایران» به یادگار ماندند.

سبک خوانندگی و آهنگ سازی

فریبرز لاچینی موسیقی‌دان و آهنگ‌ساز از آشنایی با صدای محمد نوری در رادیو، از دهه ۴۰ خورشیدی می‌گوید: از همان زمان نوری سبک ویژه و زیبای خودش را داشت و بسیاری از نوجوانان و جوانان از جمله من را جذب صدایش کرده بود. در آن سال‌ها موسیقی پاپ تازه جایش را در ایران باز کرده بود و خوانندگان انگشت شماری فعالیت می‌کردند. در این میان نوری چون به سراغ سبک‌های جاز، بلوز یا مشابه آن‌ها نرفته بود با دیگران تفاوت داشت. نوری به زبان انگلیسی تسلط داشت و برخلاف خیلی‌ها آثار غربی را به خوبی می‌شناخت. می‌توان گفت، بیشتر تحت تاثیر کارهای اروپایی بود تا آمریکایی. البته این تنها یک وجه کارش بود. آن چه به ترانه‌های او شخصیت می‌داد، ریشه‌های ایرانی‌اش بود. نوری موسیقی ردیف دستگاهی را می‌شناخت، روی موسیقی نواحی و فولکلوریک ایران کار کرده بود و با ادبیات کلاسیک و معاصر ایران به‌ویژه شعر آشنایی عمیق و گسترده داشت که همه این‌ها دست به دست هم داده و از او چهره‌ای خاص ساخته بود. جدای از همه این‌ها، استاد نوری همیشه تشنه دانستن بود و پیش استادان گوناگون عرصه موسیقی و ادبیات تحصیل کرده و چیزهای بسیاری یاد گرفته بود. از طرف دیگر مطالعات بسیاری در زمینه‌های مختلف هنری و فرهنگی داشت که به کارش عمق می‌داد.

محمد نوری با صدای خود به اشعار نیما طنین دیگری بخشید و گویی آن‌ها را از وادی خاموش واژه‌ها به قلمرو باشکوه و پرفراز و نشیب اصوات رهنمون شد. به خاطر دارم که نوری دقت و حساسیت خاصی در کار خود داشت و گاهی ماه‌ها کار می‌کرد تا لهجه ترانه را به بهترین وجهی ارائه کند.»

استاد نوری در سال ۱۳۷۸ برنده جایزه «خورشید طلایی» وهمچنین در سال ۱۳۸۵ به عنوان چهره ماندگار موسیقی انتخاب شد. این جوایز تنها بخشی از نشان‌هایی است که به پاس تاثیر عمیق این استاد کم نظیر بر موسیقی ایران به او اهدا شد

استاد اخلاق مداری و دانش موسیقی

نوری شخصیتی ساده‌زیست و پایبند به اخلاقیات بود. او همیشه برای هنرجویان خود پشتیبان خوبی بود و به دلسوزی و حمایت از آن‌ها معروف بود. او بر آموزش تئوری موسیقی و سلفژ تاکید داشت تا هنرجویان موفق‌تر باشند. نوری با فرهنگ و دانش عمیقی از موسیقی ایرانی و غربی، شیوه آوازی منحصر به فردی داشت که به سختی می‌توان آن را در زیر شاخه‌هایی چون پاپ، کلاسیک و... گنجاند.

صدایی که خاموش شد

نوری در سال ۱۳۷۸ برنده جایزه «خورشید طلایی» وهمچنین در سال ۱۳۸۵ به عنوان چهره ماندگار موسیقی انتخاب شد. این جوایز تنها بخشی از نشان‌هایی است که به پاس تاثیر عمیق این استاد کم نظیر بر موسیقی ایران به او اهدا شد.

استاد نوری پس از سال‌ها مبارزه با بیماری سرطان مغز استخوان و وخامت وضعیت جسمانی، در شامگاه ۹ مرداد ۱۳۸۹ در بیمارستان جم تهران درگذشت و در قطعه هنرمندان بهشت زهرا به خاک سپرده شد. صدای او همچنان در گوش مردم ایران پر طنین است و به یادگار ماندگاری از یکی از برجسته‌ترین هنرمندان ایران تبدیل شده است.

قدم زدن با جادوی شعر در خیابان

مراسم رونمایی از مجموعه آثار زنده یاد غلامرضا بروسان در مشهد برگزار شد

حسن عارفی مهر
calture@khorasannews.com

آیین بزرگداشت زنده‌یاد غلامرضا بروسان و زنده یاد الهام اسلامی به همراه رونمایی از مجموعه آثار زنده‌یاد بروسان در مشهد برگزار شد

به گزارش خراسان، آیین بزرگداشت غلامرضا بروسان و الهام اسلامی همزمان با رونمایی از مجموعه‌آثار غلامرضا بروسان، با حضور نویسندگان و شاعران در شهر کتاب مشهد برگزار شد.

صدای جامعه در شعر

در ابتدای این نشست، جواد گنجعلی ضمن اشاره به ویژگی‌های شعر غلامرضا بروسان گفت: «برجسته‌ترین ویژگی بروسان این بود که در فردیت خلاصه نمی‌شد، بلکه خودْیک جامعه و یک موج بود.»

گنجعلی در ادامه، با نقلِ قولی از علی شفیعی از شاعران شناخته شده مشهد افزود: «شعر خوب، جادویی دارد که نیازی به تبلیغ ندارد. خودِ شعر در کوچه‌ها به راه می‌افتد، مسیرش را پیدا می‌کند و زبان به زبان می‌چرخد. اگر امروز می‌بینیم که شعر بروسان همچنان زنده است و زبان به زبان می‌گردد، نشان از عظمت و بزرگی شعر اوست.»

این شاعر خراسانی گفت: در دهه ۸۰، شعر مشهد از جایگاه ویژه‌ای در کشور برخوردار بود و بسیاری از شاعران کشور پیگیر شعر خراسان بودند. غلامرضا بروسان یکی از قافله‌سالارهای شعر خراسان در آن زمان به‌شمار می‌رفت.»

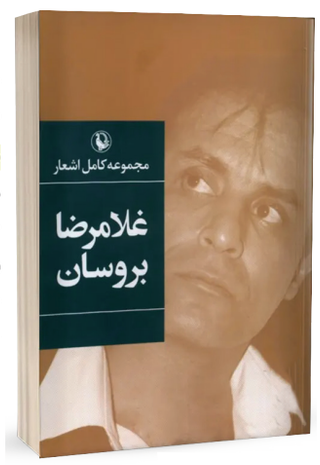

نگاه جدی به شعر

گنجعلی افزود: «شعر برای بروسان از جدیتی ویژه برخوردار بود. دغدغه او «کلمه» بود و در همه لحظه‌ها-چه در خانه، چه در محل کار یا حتی در اتوبوس-در حال شعر خوانی بود.»

تمام شد تا پیدا شد

او ادامه داد: «من فکر می‌کنم بروسان از جهاتی شبیه به فروغ فرخزاد بود. در واقع، وقتی خود را پیدا کرد، خیلی زود پر کشید. رفتنِ او زودهنگام بود و اگر می‌مانْد، شاید جریان شعر را تغییر می‌داد.»

تسلط بر کلمه

جواد کلیدری، شاعر و از دوستان نزدیک بروسان نیز گفت: «بروسان اشتیاق زیادی به شعرخواندن داشت و به ویرایش و حلاجی کلمات هم بسیار معتقد بود. او تسلط ویژه‌ای بر واژگان داشت و همواره بهترین کلمه را با دقت انتخاب می‌کرد تا با واژه‌های قبل و بعدش متناسب باشد.»

کلیدری ادامه داد: «بروسان بسیار پرجنب‌وجوش بود، از تنهایی گریزان بود و همیشه دوستانش را دور هم جمع می‌کرد. مرگ او باعث شد که جمع شاعرانه ما بیشتر حفظ شود و قدر همدیگر را بیشتر بدانیم.»

شور و نشاط بخشیدن به شعر خراسان

رضا عابدین‌زاده، یکی دیگر از شاعران حاضر در نشست، در توصیف بروسان و شعر او گفت: «او به شعر خراسان شور و نشاط می‌بخشید و شاعران دیگر را نیز به سرودن تشویق می‌کرد. با وجود شوخ‌طبعی، نگاهش به شعر فوق‌العاده جدی بود و این جدیت را به دیگران هم منتقل می‌کرد.»

در ادامه این نشست محمدباقر کلاهی اهری، شاعر برجسته خراسانی، نیز با اشاره به سخن یکی از بزرگان دنیای سحرانگیز شعر یادآور شد: «ما در زبان فارسی دو

واژه «ذوق» و «شوق» داریم که می‌توان هر دو را در عرصه‌های گوناگون-از جمله شعر-به کار گرفت. برخی ذوقِ شعر دارند اما شاید شوقِ مطرح‌شدن را نداشته باشند. بعضی دیگر تنها شوقِ مشهورشدن دارند و به هر دری می‌زنند تا خود را نشان دهند. اما عده‌ای هم هستند که هم ذوق و هم شوق دارند و زنده‌یاد بروسان از همین گروه بود.»

وی افزود: «کمتر شاعری را دیده‌ام که بتواند خود را بیرون از شعر هم خلاقانه معرفی کند؛ اما بروسان هم از نظر درونی و محتوایی خودش را خلق کرد و هم توانست در شعر تثبیت شود. او که وارد دوادی دنیای جدیدی از شعر شده بود، دوره گذار را بسیار سریع طی کرد و بلافاصله به جریان دیگری از شعر پیوست. در اواخر عمر نیز داشت از تمام چهارچوب‌هایی که برای خود ترسیم کرده بود، عبور می‌کرد.»

کلاهی اهری در پایان تصریح کرد: «بروسان از شالوده‌سازی و پیکرتراشی در شعر خوشش نمی‌آمد و خودش هم دوست نداشت شبیه پیکره‌ای بی‌تحرک شود.»

اینجانب اکبر عادلی مالک خودرو پژو۴۰۵ مدل۹۸ به ش انتظامی ۳۶-۳۹۲ل۱۶ به ش موتور NAAM111VE9KK188316 و ش شاسی ۱۲۴K1۳۲۸۲۸۹ به علت فقدان اسناد فروش سند کمپانی و برگ سبز تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. ۱۰۱۶۲۰

اصل برگ سبز و سند کمپانی و کارت موتورسیکلت آپاچی مدل۱۳۹۳ش انتظامی۸۵۸-۷۴۵۶۵ به ش موتور ۰E۴CE۲۵۸۱۸۳۱ وش شاسی ۱۶۰۷۹۳۱۰۹۲۱ N۲G***۱۶۰ بنام رجبعلی قلی زاده مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۱۶۷۷

برگ سبز پراید صبا مدل ۱۳۸۹ به ش انتظامی ایران ۷۴-۲۵۴ ج ۷۷ شماره موتور ۱۹۰۳۲۸۴ ش شاسی ۱۴۱۲۲۸۶۰۵۸۲۰۷ کدملی ۴۵۸۰۴۰۳۰۱۰ به نام بهروز عصمتی مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. ۱۰۱۷۳۵

برگ سبز و سند کمپانی سواری پراید۱۳۲ مدل ۱۳۹۰ شماره انتظامی ۴۴س۶۷۸ایران۷۴ شماره موتور ۴۴۵۲۵۷۸ شماره شاسی S۱۴۲۲۲۹۰۳۱۱۸۴۲ بنام اعظم جندی مفقودوفاقد اعتبار است. ۱۰۱۷۳۲

برگ سبز و سند کمپانی و کارت موتورسیکلت آپاچی مدل۱۳۹۳ش انتظامی۸۵۸-۷۴۵۶۵ به ش موتور ۰E۴CE۲۵۸۱۸۳۱ وش شاسی ۱۶۰۷۹۳۱۰۹۲۱ N۲G***۱۶۰ بنام رجبعلی قلی زاده مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۱۶۷۷

برگ سبز و سند موتور سیکلت به شماره انتظامی ۷۷۷-۱۸۷۸۷ شماره بدنه ۰۴۲۹۲NC۵AALKFEKAY شماره موتور ۰۹۵۵۳۵-۰۱۵۰NC۵ به نام سید امیر حسینی مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۶۶

برگ خودرو مزدا وانت (۲کابین)تیپ ۲۰۰۰ مدل ۸۸ به ش انتظامی ۷۴-۷۲۷ط۵۷ به شماره موتور FE۱۲۲۶۹۵ و شماره شاسی NAGCPX۲PC۱۹E۲۰۶۸۷ بنام علی محسن آبادی مفقود وفاقد اعتبار می باشد ۱۰۱۶۸۵

کارت خودرو، کارت سوخت وسند کمپانی پژوپارس XU۷ به ش پلاک ایران ۹۴-۱۸۶ص۲۲ مدل ۹۲ بنام شرف خاتون کبدانی پور به ش موتور ۱۲۴K۰۲۱۸۴۰۹ به ش شاسی NAAN۰۱CAYDH۶۸۲۶۴۱ مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۶۸۲

سند کمپانی وبنجاق سند پراید صبا مدل ۸۱ رنگ سبز پشمی به شماره انتظامی ۳۲-۴۲۷-۳۸ به شماره موتور ۰۰۳۱۶۴۶۵S و شماره شاسی ۱۴۱۲۲۸۱۷۸۰۷۲۳ بنام محمد خالقی فرزند غلامحسین مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد ۱۰۱۶۲۶

اینجانب مجتبی محمدزاده باغدار مالک خودرو پژو ۲۰۶ نوک مدادی مدل۸۹ ش انتظامی ایران ۷۴- ۸۹۲س۲۲ ش موتور ۱۴۱۸۸۰۷۳۶۸۸ ش شاسی NAAP۰۳EDYAJ۱۰۶۷۵۴ به علت فقدان اسناد فروش سند کمپانی و برگ سبز تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. ۱۰۱۶۴۰

اینجانب علی آذرپرور مالک خودرو پژو۴۰۵مدل۸۱ به شماره انتظامی ۷۴-۳۹۸ط۹۴ به شماره موتور ۲۲۵۶۸۱۲۰۸۹۲ و شماره شاسی۸۱۰۱۸۶۷۶ به علت فقدان اسناد فروش سند کمپانی وبرگ سبز تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هر کس ادعایی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف مدت ۱۰ روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع در پیکان شهر ساختمان سمند مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. ۱۰۱۷۱۱

برگ سبز و سند کمپانی خودرو پژو ۴۰۵ به شماره انتظامی ۳۲-۷۱۴ط۲۶ به شماره موتور ۱۲۴۸۵۰۴۳۹۱۰ و شماره شاسی ۲۴۲۱۷۴۶۷ مدل ۱۳۸۵ کد ملی ۰۸۷۱۰۱۸۶۱۶ به نام براتعلی بیگلری دولو مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. ۱۰۱۶۰۶

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۷ به شماره انتظامی ۲۶۱د۸۹ ایران ۷۴ شماره شاسی NAAR۰۳FE۰LJ۱۰۹۶۲۶ شماره موتور ۱۷۸B۰۰۲۵۹۹۵ به نام غلام رضاانصاری مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۶۴۱

برگ سبز موتورسیکلت توس نو ۱۲۵CDI مدل ۱۳۹۳ ش انتظامی ۷۷۷-۸۴۶۸۲ N۳N***۱۲۵T۹۳۴۷۷۲۴ ش تنه ش موتور ۰۱۲۵N۳N۰۱۰۰۶۳ بنام مصطفی شرفی مفقود شده و فاقد اعتبار است ۱۰۱۶۳۱

برگ سبز و کارت ماشین کوییک مدل ۱۴۰۲ به شماره پلاک ۳۹۸ م ۸۵ ایران ۳۲ به شماره شاسی NAS۸۶۱۱۰۰۲۱۰۶۸۴۵۶ و شماره موتور M۱۵/۵۰۷۸۳۷۴ بنام علی عسکری با کد ملی ۰۸۹۰۴۹۸۵۹۸ مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد ۱۰۱۶۴۲

برگ سبز خودروی نیسان مدل۸۹ به شماره انتظامی ۹۴-۴۸۲م۱۱ به شماره موتور ۵۶۵۹۳۷ و شماره شاسی NAZPL۱۴۰T۱N۲۷۳۲۲۴ بنام یاسین ملاحی مفقود گردیده وفاقد اعتبار می باشد ۱۰۱۶۴۵

برگ سبز و سند کمپانی سمند سورن پلاس مدل ۱۴۰۳ پلاک ایران ۲۲-۲۳۱ص۳۹ و شاسی NAACV۱HLFRBD۵۸۴۷۵ به شماره موتور ۱۲۵K۰۳۲۶۱۳۳ بنام الیاس محمدی چشمه گلی به کد ملی ۰۲۲۰۵۷۹۵۲۱ مفقود و فاقد اعتبار است ۱۰۱۶۱۱

برگ سبز خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۹ به ش انتظامی ۷۴-۴۱۹ط۴۹ به شماره موتور ۱۸۲۸۰۱۰۴۳۹۸ و شماره شاسی NAAP۰۳EE۴LJ۰۱۸۱۱۱ بنام فاطمه دامنجانی مفقود وفاقد اعتبار می باشد ۱۰۱۷۲۱

اصل برگ سبز خودرو پراید سی دی۵هاچ بک مدل۱۳۷۴ به شماره انتظامی ۱۲ ایران ۵۹۲ط۳۳ به شماره موتور ۷۸۷۸۲۴ وشماره شاسی S۱۴۴۲۲۷۳۱۰۶۰۳۰ بنام علیرضا وفا پسند مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۱۶۳۸

سند کمپانی پژو ۴۰۵ اس ال ایکس مدل ۹۰ به ش پلاک ایران ۶۵-۷۳۶ج۳۱ به ش موتور NAAM۰۱۵A۹AK۸۹۴۷۲۶ به ش شاسی ۱۲۴۸۹۰۷۹۱۳۷ بنام یاسر سابکی ژند مفقود و فاقد اعتبار است. ۱۰۱۶۷۶

آگهی تبدیل نوع سهام بی نام به با نام شرکت پزشکی اقلیم گستر بینا (سهامی خاص)
به شماره ثبت ۴۵۲۵۰ و شناسه ملی ۱۰۲۸۰۶۱۱۶۸۰

باتوجه به تصویب مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۳/۰۹/۰۹ در اجرای ماده ۴۴ لایحه اصلاحی قانون تجارت مبنی بر تبدیل کلیه سهام شرکت از بی نام به بانام، لذا از کلیه سهامداران شرکت دعوت به عمل می آید از تاریخ انتشار این آگهی به مدت ۶ ماه نسبت به تبدیل سهام خود به مرکز شرکت به آدرس: استان خراسان رضوی، شهرستان مشهد، بخش مرکزی، شهر مشهد، سید رضی، خیابان عدل شمالی، معلم (۲۳)، خیابان سیدرضی ۴۵ عدل (۴۸)، پلاک ، طبقه همکف کدپستی : ۹۱۸۸۷۵۳۱۹۰ مراجعه نمایند. بدیهی است که پس از انقضاء مدت مذکور کلیه سهام بی نام شرکت باطل شده تلقی می گردد.

رئیس هیئت مدیره شرکت ۱۰۱۳۴۵

صرفه‌جویی در زمان + سفارش آنلاین آگهی در روزنامه خراسان
www.37010.ir
پرداخت آنلاین Uolo ۳